

در آمدی بر مهجوریت نهج البلاغه

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

نهج البلاغه، اثری جاودانه و وحی آمیز است که بعد از قرآن، گنجینه عظیم و گران قدرترین میراث فرهنگی مسلمانان است و قرآن در آن جلوه کرده است. از این رو، به آن لقب «اخ القرآن» داده و گفته اند نهج البلاغه فروتر از کلام خالق، و فراتر از کلام مخلوق است.^۱ نفس مسیحایی امیر مؤمنان علیه السلام آن چنان در این کتاب دمیده شده که نسیم دل انگیز آن، دل مردگان را حیات و نشاط می بخشد؛ اما متأسفانه امروزه، این کتاب مهجور است. نوشتار پیش رو، می کوشد با بیان اهمیت نهج البلاغه، علل مهجوریت آن را بررسی نماید.

الف. اقسام مهجوریت

مهجوریت، بر دو قسم است: علمی و عملی. مهجوریت علمی، به این معناست که ما نهج البلاغه را نمی خوانیم و با معانی آن آشنایی نداریم و کارهای علمی و فنی عمیق روی

* محقق و نویسنده.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۴.

مباحث نهج‌البلاغه مثل موضوعات: سیاسی، اجتماعی، ادبی و اخلاقی آن انجام نمی‌دهیم و آن را به‌خوبی به دنیا معرفی نمی‌کنیم. مهجوریت عملی، به معنای راه‌نیافتن آموزه‌های انسان‌ساز آن در زندگی مسلمانان است و بیشتر ما با آموزه‌های تربیتی نهج‌البلاغه آشنایی کافی هم نداریم؛ درحالی‌که باید این گنجینه گران‌سنگ در همه ابعاد زندگی حضور داشته باشد؛ زیرا نهج‌البلاغه بعد از قرآن کریم، مهم‌ترین کتاب سبک زندگی است. از این‌رو، این کتاب، همانند قرآن مهجور است.

ب. جایگاه و اهمیت نهج‌البلاغه

بی‌تردید، نهج‌البلاغه کتابی است که در جهان طرف‌داران فراوانی دارد. شخصیت‌های بزرگ جهان - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - از آن استفاده کرده و ده‌ها کتاب و شرح درباره آن تدوین نموده‌اند. شیخ محمد عبده می‌گوید:

«هر زمان از بخشی از نهج‌البلاغه به بخش دیگر منتقل می‌شدم، احساس می‌کردم منظره‌ها کاملاً عوض می‌شود. گاه خود را در عالمی می‌دیدم که ارواح بلند معانی در لباس‌های زیبایی از بهترین عبارات در گردآگرد نفوس پاک در گردش‌اند.... گاه به‌خوبی می‌دیدم یک عقل نورانی که هیچ شباهتی به مخلوقات جسمانی نداشت، از موبک الهی جدا شده و با روح انسانی پیوند یافته، او را از پرده‌های ظلمانی به ملکوت اعلی بالا می‌برد. لحظاتی دیگر، گویی با گوش خودم سخنان خطیب حکمت‌آموز را می‌شنیدم که با دانشمندان و مدیران جامعه با صدای رسا سخن می‌گوید، راه راست را به آنها نشان می‌دهد و آنان را از لغزشگاه‌ها برحذر می‌دارد.»^۱

ابن‌ابی‌الحدید سوگند یاد می‌کند:

«من خطبه ۲۲۱ را از پنجاه سال قبل تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام و هر زمان آن را خواندم، ترس و وحشت و بیداری عمیقی تمام وجود مرا در بر گرفت و در قلب من، اثری ژرفی گذاشت و در اعضای پیکرم لرزشی انداخت. چقدر واعظان و خطیبان و فصیحان در

۱. «پژوهشنامه علوی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۲، ص ۱۴۶.

این زمینہ سخن گفته‌اند؛ اما در ہیچ کدام از آنها، تأثیری را کہ این کلام در دل و حال
می‌گذارد، ندیدہ‌ام.^۱

جرج جرداق مسیحی می‌گوید:

«من بیش از ۲۰۰ بار کتاب نہج البلاغہ را خواندہ‌ام و بعد از حضرت علیؑ، کسی را
سزاوار نوشتن برای او ندیدم. بہ همین دلیل، جز او دربارہ کسی ننوشتم.»^۲

یکی از دانشجویان ایرانی در آمریکا می‌گوید:

«استادی برای تدریس بہ دانشگاه ما دعوت شدہ بود کہ مشاور اقتصادی رییس جمہور
وقت آمریکا بود در نخستین جلسہ درس، استاد در میان جمعیت انبوه دانشجویان متوجہ
شد کہ من ایرانی ہستم و با لحن تحقیرآمیزی دربارہ شیعہ سخن گفت. من ہفتہ بعد،
نسخہ‌ای از ترجمہ انگلیسی نہج البلاغہ برایش ہدیہ بردم و از او خواستم آن را ببیند. چند
ہفتہ گذشت تا اینکہ یک روز منشی استاد مرا بہ اتاق او فراخواند. وقتی وارد شدم، دیدم
روزنامہ‌ای بہ دست دارد و با چہرہ‌ای گرفته در حال قدم‌زدن در اتاق است. او بہ عکس
جوانی در صفحہ اول روزنامہ اشارہ کرد کہ خودسوزی کردہ بود. گفت ہرچہ امروز این
جوانان بی‌ہویت و سرانجام بہ دام گروہ‌های شیطانی و فساد و مواد مخدر می‌افتند، از آن
روست کہ ہمین «علی»ی شما را کم دارند! من این کتاب خواندم؛ تا اینکہ بہ عہدنامہ
مالک اشتر رسیدم. این نامہ چنان در من اثر گذاشت کہ شروع کردہ‌ام بہ حفظ متن آن و ہر
روز صبح ہمسرم با تعجب از من می‌پرسد: این چیست کہ این قدر تو را مشغول کردہ
است؟ بعد از آن، توضیح داد کہ اگر امروز بزرگ‌ترین حقوقدان‌ها و متفکران دنیا جمع
شوند معلوم نیست بتوانند چیزی بہ جامعیت چنین نامہ‌ای بنویسند کہ چندین قرن از آن
می‌گذرد. وی برای چندین دقیقہ همچنان از تأثیری می‌گفت کہ کلمات و سخنان امیر
مؤمنان بر او گذاشتہ بود.»^۳

حجت الاسلام سقایی می‌گوید:

«من دوستی در آمریکا داشتم کہ مسلمان شدہ بود. از او دربارہ مسلمان شدنش پرسیدم. او
گفت: من کتاب‌های زیادی دربارہ اسلام خواندہ بودم تا وقتی کہ نہج البلاغہ بہ دستم رسید

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نہج البلاغہ، ج ۱۱، ص ۱۵۳.

۲. <http://hawzahnews.com>

۳. http://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7_1304831670.

و شروع به مطالعه این کتاب کردم تا رسیدم به خطبه ۲۲۴ که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «به خدا قسم! اگر مرا در شب دست‌بسته روی خاها بکشند، محبوب‌تر است از اینکه نزد خداوند بیایم درحالی‌که ظلمی به کسی کرده باشم و اگر آسمان‌ها و افلاک هفت‌گانه و تمام ثروت‌هایی را که در این افلاک است، به من بدهند و در عوض از من بخواهند که به مورچه‌ای ظلم بکنم و پوست جویی را از دهان او بگیرم، به خدا قسم قبول نخواهم کرد.»^۱ او می‌گفت: به اینجا که رسیدم، گریه‌ام گرفت و منقلب شدم و همه چیز برایم حل شد و همان لحظه، تصمیم گرفتم مسلمان شوم. هنوز هم هرگاه این خطبه را می‌خوانم، همان حال به من دست می‌دهد.»^۲

د. علل مهجوریت نهج‌البلاغه

متأسفانه، نهج‌البلاغه در میان ما مهجور است؛ زیرا بسیاری از ما با اهمیت و جایگاه این کتاب آشنا نیستیم و آموزه‌های آن در زندگی ما نهادینه نشده است. امروزه، چه تعداد از جوانان و حتی علمای ما خطبه و یا نامه نهج‌البلاغه را صد بار و یا هزار بار خوانده است؟
مقام معظم رهبری می‌گوید:

«نهج‌البلاغه را آقایان بخوانید، بخوانید که بفهمید این نهج‌البلاغه به یک معنا قاموس؛ یعنی فرهنگ مفاهیم اسلامی است. نهج‌البلاغه، خیلی عزیز است و چقدر از دسترس ما دور است! مردم ما فقط اسم نهج‌البلاغه را شنیده‌اند. اصلاً نمی‌دانند نهج‌البلاغه، کتاب عمل است...»^۳

بر این اساس، یکی از مسائل دردناک که هرگز نمی‌توان انکار نمود، مهجوریت نهج‌البلاغه در میان امت اسلامی و حتی شیعیان حضرت است؛ همان‌طور که امیر مؤمنان، مظلوم، بلکه مهجور بود.

شهید مطهری می‌فرماید:

«... عجیب این است که نهج‌البلاغه در دیار خودش، در میان شیعیان علی، در حوزه‌های علمیه شیعه «غریب» و «تنها» است؛ همچنان‌که خود علی، غریب و تنهاست. بدیهی است که اگر محتویات کتابی و یا اندیشه‌ها و احساسات و عواطف شخصی با دنیای

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۲۳.

۲. <http://www.shia-news.com/fa/news/33627>.

۳. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3282>.

روحي مردمی سازگار نباشد، این کتاب و یا آن شخص، عملاً تنها و بیگانه می ماند؛ هرچند نامشان با هزاران تجلیل و تعظیم برده شود.^۱

گفتنی است که گرچه بحمدالله، حوزیان، برخی عالمان، شخصیت‌ها، نظام اسلامی و نهادها، گام‌هایی در احیا و تعلیم مفاهیم نهج البلاغه برداشته‌اند و شاهدش تدوین ده‌ها شرح، مصادر، تفسیر، تعلقیه و ترجمه برای نهج البلاغه است، اما این امر، برای نهادینه‌سازی نهج البلاغه کافی نیست. حال، جای این پرسش است که: چرا نهج البلاغه در دیار خود مهجور است؟ در این امر، عوامل متعددی وجود دارد که برخی آنها عبارت‌اند از:

۱. بی‌اطلاعی از جامعیت نهج البلاغه

یکی از عوامل مهم مهجوریت نهج البلاغه، عدم شناخت جامعیت آن است؛ زیرا سید رضی اسم مهم‌ترین سخنان امام علی علیه السلام را نهج البلاغه گذاشته شده است که ناظر بر فصاحت و بلاغت آن است. از این رو، نگاه‌ها به نهج البلاغه به عنوان یک اثر بلاغی بوده و به عنوان کتاب زندگی مورد توجه قرار نگرفته است و این، جفایی است که به این کتاب روا داشته شده است. بعد از قرآن، هیچ اثری به اندازه نهج البلاغه در همه عرصه‌های زندگی راهگشا نیست. بدون تردید، اگر به دنبال کتابی هستیم که بهترین ترجمان قرآن کریم باشد و افق‌های بلند قرآن را بر روی بشر بگشاید، نهج البلاغه است؛^۲ چراکه این کتاب، تجلی‌گاه عشق، معرفت، سیاست، انسانیت، حکومت، عدالت، حکمت، تربیت، عبادت، فصاحت و بلاغت است. صدها مسئله مهم معرفتی درباره توحید، نبوت، امامت، معاد، انسان‌شناختی و جهان‌شناختی و مانند آن را به زیباترین بیان و دل‌انگیزترین روش، طرح و تحلیل کرده است؛^۳ همچنان‌که شیخ محمد عبده می‌گوید:

«من به هنگام مطالعه این کتاب، گاه خود را در جهانی می‌یافتم که ارواح بلند معانی، با زیور عبارت‌های پُرفروغ آن را آباد ساخته است و گاهی می‌یافتم که عقل نورانی از عالم الوهیت جدا گشته است و به روح انسانی اتصال یافته، او را از لابه‌لای پرده‌های طبیعت

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۳۴۷.

2. <http://hawzahnews.com/TextVersionDetail/340393>.

3. <http://rasekhoon.net/article/show/112811>.

بیرون آورده و تا سراپرده ملکوت اعلی بالا برده است و تا شهودگاه فروغ فروزنده آفرینش رسانده است.^۱

۲. عدم ساده‌سازی

بی‌تردید، ما قوی‌ترین متون دینی را در اختیار داریم؛ اما برخی از این متون به دلیل مشکل‌بودن عبارات، برای همه قابل فهم نیست. از این رو، نیاز به ساده‌سازی دارند؛ همان‌گونه که امروزه در غرب متون کتاب‌های آنها برای همگان و حتی کودکان ساده‌سازی می‌شود. نهج‌البلاغه از آن دست متونی است که برخی قسمت‌های آن، مانند آیات متشابه، برای همگان قابل فهم نبوده و نیاز به ساده‌سازی دارد؛ نمونه آن، خطبه اول نهج‌البلاغه است که سنگین‌ترین مفاهیم توحیدی و فلسفی را مطرح کرده است.

۳. قدرت‌های فاسد

در زمان بنی‌امیه، سخنان امیر مؤمنان علیه السلام در یک مجموعه تدوین نشده بود و در آن زمان، نهج‌البلاغه نیز تألیف نشده بود؛ اما اینان تلاش می‌کردند که سخنان و نام حضرت را بعد از شهادت ایشان محو کنند و این سیاست، تداوم داشت. در دوره عباسی که نهج‌البلاغه تألیف شد، همین سیاست وجود داشت که اندیشه و سیره علوی وارد زندگی مردم نشود؛ زیرا در این صورت، مردم از حکومت‌ها مطالبه‌گر می‌شوند و تلاش می‌کنند با عزت و کرامت و سربلندی زندگی نمایند و خدا در زندگی‌شان با تمام معنا حضور پیدا کند. بدون تردید، هر قدر مردم غافل‌تر و نادان‌تر باشند، برای موقعیت‌عده‌ای مناسب‌تر است؛ چراکه بهتر می‌توانند بر امواج جهالت مردم سوار شوند و سلطه‌گری کنند.^۲

قبل از انقلاب اسلامی نیز شاه پهلوی از یادگیری و آشنایی گسترده مردم با آموزه‌های نهج‌البلاغه، به‌ویژه مفاهیم سیاسی آن، جلوگیری می‌نمود؛ زیرا این آموزه‌ها با اهداف جاهلانه و سلطه‌گرانه حکومت‌های طاغوتی در تضاد بود. جورج جرداق می‌گوید:

«... دقیقاً به خاطر می‌آورم که دلیل مخالفت شاه ایران با این کتاب (نهج‌البلاغه) دو موضوع بود. اول آنکه در این کتاب، فصلی وجود داشت با عنوان ملوک ستمگر، و شاه

۱. شیخ محمد عبده، مقدمه شرح نهج‌البلاغه، ص ۱۰.

مناسبت‌های تبلیغی: درآمدی بر مهجوریت نهج‌البلاغه ■ ۳۵۳

تصور نمود که هدف، مقابله با نظام شاهنشاهی است و دیگر اینکه چون در این کتاب، عدالت امیر مؤمنان علیه السلام و توجه آن حضرت به محرومان و مستضعفان برجسته بود. سرویس امنیتی ایران تصور نمود که هدف این کتاب، تبلیغ اندیشه‌های مخالف با دستگاه شاهنشاهی است.^۱

گفتنی است که برخی اندیشمندان غیرمسلمان وابسته به حکومت انگلیس، از نهج‌البلاغه وحشت داشتند. یکی از مراجع تقلید می‌گوید:

«دانشجوی مسلمان که در یکی از دانشگاه‌های انگلیس تحصیل می‌کرد، نسخه‌ای از کتاب نهج‌البلاغه را به استاد خود که یک انگلیسی مسیحی بود، هدیه داد. استاد پس از مطالعه چند صفحه اول کتاب، وحشت‌زده و شگفت‌زده شد و فوراً نزد استاد خود که یک پرفسور سرشناس بود، رفت و ماجرای دریافت نهج‌البلاغه از شاگردش را بیان کرد و گفت: کتابی به دستم رسیده که مطالب عجیبی درباره حکومت‌داری، اخلاق و مطالب دیگری در آن نوشته شده است. پرفسور که سخنان آن استاد را شنید، دست او را گرفت و با خود به اتاق شخصی‌اش برد. پس از ورود، استاد متوجه شد که در اتاق پرفسور و بر روی میز وی نیز نسخه‌ای از نهج‌البلاغه وجود دارد. پرفسور پیش از وی، نسخه‌ای دریافت کرده و مطالعه نموده بود. پرفسور خطاب به استاد گفت: بنده خودم بارها و بارها این کتاب را مطالعه کرده‌ام. چیزی از مطالب این کتاب را برای مسلمانان بازگو نکن؛ زیرا اگر آنان بفهمند که در این کتاب چه مطالبی نوشته شده، دیگر چیزی از بریتانیای کبیر در جهان باقی نخواهد ماند.»^۲

۴. عدم فرهنگ‌سازی

ساده‌سازی و معرفی جامعیت نهج‌البلاغه، برای آشنایی مردم با این کتاب، کافی نیست؛ بلکه باید معارف نهج‌البلاغه فرهنگ‌سازی شود؛ یعنی علاوه بر یادگیری و آشنای مردم با این اثر ارزشمند، مطالب نهج‌البلاغه را استخراج و سامان‌دهی نماییم و بر اساس آن، نظام‌سازی، تئوری‌پردازی و مدل‌سازی کنیم و سپس، به دنبال عملیاتی کردن آن باشیم. این، امری است که ما

1. <http://hawzahnews.com/detail/News/297814>.

۲. <http://rahyafteha.ir/6112/%D9%85%D8>.

از آن غفلت کرده‌ایم.^۱ می‌توانیم فرهنگ نهج‌البلاغه را تعمیق و گسترش دهیم و هرکدام از ما در حد امکان هر روز نهج‌البلاغه و یا حداقل ترجمه و شرح‌های فارسی آن را مطالعه نماییم تا مفاهیم نهج‌البلاغه با گوشت و پوست ما درآمیخته و در همه امور زندگی ما حاکم باشد. آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید:

«همان‌طورکه ما قرآن را دوره می‌کنیم، نهج‌البلاغه را هم باید هرچند ماه یکبار دوره کنیم.»^۲

در این میان، وظیفه حوزه‌های علمیه است که با ساده‌سازی نهج‌البلاغه و تدوین متون درسی بر محور آن، آن را در اختیار وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم قرار دهند تا نهج‌البلاغه جزء متن‌های درسی دبستان، راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه‌ها قرار گیرد. همچنین باید نهج‌البلاغه جزء کتاب‌های درسی حوزوی، قرار گیرد و طلاب ملزم به گذاراندن دوره‌های نهج‌البلاغه باشند، تا طلاب، مردم و جوانان با این کتاب خو بگیرند و با آن زندگی کنند. همچنین، شایسته است نامه امام به مالک اشتر و دیگر نامه‌های حضرت برای استانداران ایشان، برای مسئولان نظام تدریس شود تا روش حکومت‌داری امام با گوشت و پوست آنان درآمیزد و با نهج‌البلاغه مأنوس شوند. متأسفانه، بعد از گذشت چندین سال از انقلاب، آنچه انتظار می‌رفت و شایسته نظام اسلامی است، صورت نگرفت و بیشتر فرزندان این مرزوبوم، هنوز با معارف نهج‌البلاغه بیگانه هستند؛ البته فقط وظیفه حوزه‌های علمیه نیست که به تعمیق و گسترش نشر معارف نهج‌البلاغه بپردازند؛ بلکه همه مسلمانان وظیفه دارند با نهج‌البلاغه آشنا شوند و نگذارند این کتاب انسان‌ساز، در دیار خود غریب باشد

۱. وبگاه خبرگزاری تسنیم، ۲۳ اسفند ۱۳۹۱ ش.

۲. <http://rahyafteha.ir/6112/%D9%85%D8>.